

The Explanation and Analysis of the Components of Family Social Capital in the Qur'an With an Emphasis on Marital Relationships

Hossein Mohammadi^{1*}, Seyyed Mohammad Musavi Moqaddam²

1. Assistant Professor, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

2. Associate Professor, Faculty of Theology, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: September 6, 2020; Accepted: November 6, 2020)

Abstract

The main point in social capital is “relationship.” As the first place in which the human experiences committed relationship, family has a key role in the production of social capital. The main purpose of this study was to carry out an analysis of the family social capital as represented in the Qur’ān with an emphasis on the marital relationships and its classification into cognitive, structural, and relational factors. This was approached through a qualitative approach, i.e., a thematic analysis of the qur’ānic verses. The cognitive factor was found to be formed based on the mental models of the individuals guided by their perceptions about the purpose of the relationship between man and woman. From the viewpoint of the Qur’ān, this purpose is the attainment of peacefulness and the continuation of the human species existence. This paves the ground for convergence and the tendency to having relationship as a couple. Coupleness is the structural factor of family social capital. In the Qur’ān, coupleness is said to have three types, i.e., illegitimate coupleness, friendly coupleness, and marital coupleness. Only the third type is corroborated by the Qur’ān and the other two forms are prohibited by it. The continuation of the coupleness structure depends on the communicative factors of “amity” and “grace” as the two main factors in the organization of the couple’s mutual behaviors. Amity means showing affection and grace means kind efforts to remove the shortcomings and lacks of the other parts.

Keywords

Peacefulness, Family, Grace, Coupleness, Social capital, Noble Qur’an, Amity.

* Corresponding Author, Email: mohammadi@isr.ikiu.ac.ir

تبیین و تحلیل مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خانواده در قرآن، با تأکید بر روابط همسری

حسین محمدی^{۱*}، سید محمد موسوی مقدم^۲

۱. استادیار، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع)، قزوین، ایران
۲. دانشیار، دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۶)

چکیده

ایده موضوع اصلی سرمایه اجتماعی «رابطه» است. خانواده، به منزله نخستین جایگاه ارتباط متعهدانه انسان، نقشی تعیین کننده در تولید سرمایه اجتماعی دارد. هدف اصلی در این پژوهش تحلیلی بر سرمایه اجتماعی خانواده در قرآن با تأکید بر روابط همسری و صورت‌بندی آن در سه مؤلفه شناختی و ساختاری و ارتباطی بود. رهیافت به این هدف با روش کیفی و تحلیل مضمون آیات قرآن صورت گرفت. مؤلفه شناختی بر مبنای الگوهای ذهنی افراد در زمینه هدف از ارتباط زن و مرد شکل می‌گیرد که از منظر قرآن دستیابی به آرامش و تداوم نسل انسان است. این موضوع زمینه همگرایی و تمایل به ارتباط در قالب ساختار زوجیت را فراهم می‌آورد. زوجیت مؤلفه ساختاری سرمایه اجتماعی خانواده است. در قرآن، زوجیت به سه گونه زوجیت در بستر ارتباط نامشروع، زوجیت در بستر ارتباط دوستی، زوجیت در بستر نکاح متصور شده است که گونه سوم مورد تأکید است و از بقیه گونه‌ها نهی شده است. تداوم ساختار زوجیت در گرو توجه به مؤلفه‌های ارتباطی «مودت» و «رحمت»، به منزله دو رویکرد اصلی در ساماندهی رفتارهای متقابل زوجین، است. مودت به معنای اظهار محبت و رحمت به معنای تلاش مهربانانه برای برطرف کردن نواقص و کمبودهای طرف مقابل است.

کلیدواژگان

آرامش، خانواده، رحمت، زوجیت، سرمایه اجتماعی، قرآن کریم، مودت.

مقدمه

انسان یگانه موجودی است که برای تداوم حیات خود از بدو تولد به سایر آدمیان وابسته است و از این رو به زندگی سازمان‌یافته گروهی در قالب نهادهای منسجم اجتماعی می‌گراید. نخستین تجربه زیست اجتماعی انسان درون نهاد خانواده صورت‌بندی می‌شود و با عزم و اراده او بر تشکیل خانواده مستقل تکوین می‌یابد. بدین‌سان شبکه‌های اجتماعی در جامعه انسانی تشکیل و گسترش می‌یابند. قرآن کریم شبکه اجتماعی «نسب» و «صهر» را نقطه آغازین این فرایند معرفی می‌کند: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا». (فرقان / ۵۴)؛ و اوست کسی که از آب بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نَسَبی و دامادی قرار داد و پروردگار تو همواره تواناست. از این رو، خانواده به منزله کوچک‌ترین و در عین حال مهم‌ترین نهاد اجتماعی مورد توجه همه ادیان و اندیشمندان و مکاتب مهم فکری قرار گرفته است. بنیان خانواده در قالب نخستین پیوند اجتماعی متعهدانه، یعنی ازدواج، شکل می‌گیرد و منبع تولید و انباشت و بهره‌وری سرمایه اجتماعی می‌شود. از دیدگاه جامعه‌شناسان یکی از بسترهای اصلی رشد و گسترش سرمایه اجتماعی خانواده است. زیرا خانواده عامل شکل‌گیری شخصیت اجتماعی است و زمینه را برای کنش اجتماعی افراد در سایر شبکه‌های اجتماعی فراهم می‌سازد. «خانواده به عنوان یک اجتماع طبیعی منشأ اصلی ظهور هنجارهای اجتماعی است و سایر اجتماعات جهت‌گیری هنجاری خود را وام‌دار خانواده هستند. در واقع انسجام کل جامعه و تحقق اجتماع جامعه‌ای تابع نفوذ اجتماع طبیعی در انواع تعاملات اجتماعی است.» (چلبی ۱۳۷۸: ۹۸ - ۹۹). برخی بر این باورند که نهادهایی نظیر خانواده خالق اصلی شبکه‌های اجتماعی هستند و در مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی نمی‌توان آن را نادیده گرفت (Norton 1997: 5-6). خانواده می‌تواند بنیادی‌ترین منشأ سرمایه اجتماعی قلمداد شود (فاضل و همکاران ۱۳۹۰). به تعبیر فوکویاما (۱۳۸۵: ۴۳)، خانواده تأمین‌کننده اعتماد اجتماعی است. به زعم بوردیو (۱۳۸۰: ۱۸۹)، خانواده در حفظ و تداوم نظم اجتماعی و در بازتولیدها نقش مهمی ایفا می‌کند؛ نه فقط بازتولید زیست‌شناختی (تولید مثل)، بلکه بازتولید اجتماعی. یعنی در بازتولید ساختارهای اجتماعی و روابط اجتماعی عالی‌ترین نمونه مکان انباشت سرمایه در انواع مختلف و انتقال نسل به نسل آن است. سرمایه اجتماعی خانواده از ترکیب

کمیت و کیفیت روابط همسری، والد-فرزند، فرزند-والدی، و فرزند-فرزند ایجاد می‌شود. شکل‌گیری خانواده و بقای مؤثر آن بر پایه روابط نوع اول (روابط همسری) استوار است. بخش قابل توجهی از رشد اجتماعی افراد در روابط همسری شکل می‌گیرد. زیرا نوع این رابطه به دلیل تعلق عاطفی خاص همسران به یک‌دیگر و انتظارات متقابل زاینده از آن متفاوت از انواع دیگر روابط اجتماعی است. علاوه بر این، قوام خانواده در بخش توسعه زیستی آن (تولید مثل) و فراهم کردن بستر مناسب برای رشد اجتماعی فرزندان منوط به قوام رابطه همسری است. تجربه نشان داده خانواده‌های تک‌والدی در فرایند رشد اجتماعی فرزندان از کارکرد مناسب برخوردار نبوده‌اند.

اهداف و سؤالات پژوهش

هدف راهبردی این پژوهش تبیین سرمایه اجتماعی خانواده در روابط همسری با عنایت به مؤلفه‌های ساختاری و شناختی و ارتباطی است. سؤالات اصلی پژوهش بدین شرح است: مؤلفه شناختی سرمایه اجتماعی خانواده در روابط همسری در قرآن کدام است؟ مؤلفه ساختاری سرمایه اجتماعی خانواده در روابط همسری در قرآن کدام است؟ مؤلفه ارتباطی سرمایه اجتماعی خانواده در روابط همسری در قرآن کدام است؟ بدین منظور آیات مرتبط با روابط همسری در قرآن بررسی شد و به منظور پاسخ به سؤالات اصلی پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت.

پیشینه نظری پژوهش

خانواده یک پدیده جامعه‌شناختی است که هم به منزله یک امر اجتماعی در سطح روابط همسران با یک‌دیگر و هم به مثابه یک الگوی پذیرفته‌شده اجتماعی در سطح کلان همواره مطالعه شده است. با توجه به تمرکز سرمایه اجتماعی بر عنصر روابط و شکل‌گیری نخستین روابط متعهدانه در سطح خانواده، مبحث سرمایه اجتماعی خانواده مورد توجه قرار گرفته است. کلمن از صاحب‌نظران سرمایه اجتماعی است که از نقش خانواده در جایگاه یک گروه و شبکه روابط اجتماعی افراد در دوران رشد کودکان سخن گفته است و دیگران به تبع او ابعاد مختلف این موضوع را مورد واکاوی و دقت نظر قرار داده‌اند (شارع پور، ۱۳۸۴). با مراجعه به مطالعات دینی نیز ملاحظه می‌شود که برخی صاحب‌نظران، از جمله مرحوم علامه طباطبایی (طباطبایی ۱۳۹۶) و

استاد مرتضی مطهری (مطهری ۱۳۶۹)، درباره خانواده، ضمن مباحث حقوق زن، تأملات ارزشمندی داشته‌اند. در دهه‌های اخیر نیز مطالعات گسترده‌ای در باب خانواده صورت گرفته است و از جهات گوناگون به آن پرداخته شده است. مقالاتی نظیر «کوششی نظری در جهت ساخت مدل اسلامی ثبات خانواده» (بستان ۱۳۹۲) مؤید مطالعات موجود در زمینه خانواده با رویکرد اسلامی است که به دلیل تعدد این تحقیقات و به جهت اختصار از ذکر آن‌ها اجتناب می‌شود. با وجود این، تبیین و تحلیل جدی و قابل بیان در خصوص عنصر سرمایه اجتماعی خانواده با رویکرد دینی و تلاش برای ساخت مباحث نظری و مفهومی آن بر اساس منابع اصیل اسلامی، به خصوص قرآن، صورت نگرفته است. از این رو، نویسندگان این نوشتار درصدد برآمدند کوششی در این زمینه آغاز کنند و با عنایت به آیات مهم و اساسی مرتبط با خانواده، در جهت ساخت مدل اسلامی سرمایه اجتماعی خانواده، حرکت کنند. بنابراین، این تحقیق از جهت رویکرد (سرمایه اجتماعی) و ساخت چارچوب مفهومی متناسب با آن در سطح خانواده و نه از جهت مفاهیم اساسی ناظر به آن نوآورانه است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات تحلیلی-توصیفی است و در مطالعات تفسیری از نوع تفسیر موضوعی با رویکرد ارائه سؤالات خارج از قرآن به قرآن به منظور فهم دیدگاه قرآن درباره آن موضوع است. بر اساس این روش تفسیری، مواجهه با قرآن از موضع استنتاج است. به این معنا که محقق و مفسر، پیش از مراجعه به قرآن، ذهن خود را روی موضوعی خاص از موضوعات زندگی انسان متمرکز می‌کند و با اندیشه‌های بشری درباره آن مطلب آشنا می‌شود. از این رو، هنگامی که با این آگاهی‌ها سراغ قرآن می‌رود، شنونده صرف و گزارشگر بی‌تلاش نیست؛ بلکه با توجه به دانش و آگاهی‌های قبلی که درباره آن موضوع به دست آورده به گفت‌وگو و استنتاج با متن قرآن می‌پردازد (صدر، بی‌تا: ۱۹). در این تحقیق تلاش شده، با مطالعه و شناخت ابعاد گوناگون اندیشه‌های بشری، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خانواده از دیدگاه قرآن تبیین شود. «صورت‌بندی سرمایه اجتماعی خانواده در پیشینه موضوعی با عنایت به سازه روابط خانواده، برگزیدن سازه ارتباطی زوجین به مثابه محور ارتباطی خانواده، شناسایی آیات مرتبط با نظام همسری،

مفهوم‌شناسی واژگانی، و صورت‌بندی محتوای سیاقی آیه جهت تحلیل سرمایه اجتماعی خانواده مراحل تحقیق حاضر بوده است.

به منظور تحلیل سرمایه اجتماعی در سطح میانی، که به دنبال ساخت یابی یک شبکه خاص سرمایه اجتماعی (در اینجا خانواده) و الگوسازی پیوندهای بین واحدها (در اینجا رابطه همسری) است، از الگوی تحلیل CRC بهره گرفته شد که برخی پژوهشگران آن را مطرح کرده‌اند. این مدل مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در سه حوزه مؤلفه‌های شناختی و ارتباطی و ساختاری قرار داده است (Nahapiet & Ghoshal 1998: 254-256).

مفهوم سرمایه اجتماعی خانواده

امروزه سرمایه اجتماعی در مباحث علوم اجتماعی و انسانی اهمیتی ویژه یافته است. رویکردهای میان‌رشته‌ای در مطالعه سرمایه اجتماعی معانی مختلفی برای آن به ارمغان آورده است. با وجود این، در همه تعاریف ارائه‌شده می‌توان تأکید بر عنصر «رابطه» را ملاحظه کرد. سرمایه اجتماعی بر مبنای کمیت و کیفیت روابط و شیوه تعاملات کنشگران اجتماعی تعریف می‌شود و هرگاه صفت جامعه در نظر گرفته می‌شود بیانگر روابط و پیوندهایی است که کل جامعه را منسجم و متحد می‌کند. انسان‌ها از طریق روابط در صدد تأمین نیازمندی‌ها و محقق ساختن اهداف خود هستند. از این طریق پدیده‌ای به نام جامعه شکل گرفته است. برقراری رابطه افراد موجب تبادل اطلاعات بین آنان می‌شود. هر چه روابط افراد جامعه از استحکام بیشتر و کیفیت بالاتری برخوردار باشد و به صورت نظام‌مندتر و هماهنگ‌تر عمل کنند به اهداف جمعی در زمانی کوتاه‌تر و با صرف هزینه کمتر دست می‌یابند. در این حالت می‌توان شاهد شکل‌گیری «سرمایه اجتماعی» بود که در واقع ترکیب ویژه روابط اجتماعی و سیاسی و نیز کیفیت این روابط است (علینی و همکاران ۱۳۹۴: ۹۳). به طور کلی، سرمایه اجتماعی بر مجموعه شبکه‌ها، تیم‌ها، روابط، انجمن‌ها، و مؤسسه‌های دلالت دارد که به واسطه هنجارها و ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد و دلگرمی اجتماعی انسانی را موجب می‌شود و کنش متقابل و همکاری را بین افراد تسهیل می‌کند (زارعی‌متین و همکاران ۱۳۹۵: ۲۰). در واقع، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های ساختار اجتماعی است که باعث می‌شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند. کارآیی سرمایه مادی و انسانی ساختار

اجتماعی به برخورداری از سرمایه اجتماعی منوط است و به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک اطلاق می‌شود که باعث پیوند بین افراد می‌شود و ضمن استحکام بخشی به تعهدات متقابل بین افراد زیرساخت مشارکت اجتماعی را تأمین می‌کند.

بنیادی‌ترین سطح ساختاری سرمایه اجتماعی خانواده است. خانواده نخستین تجربه زیست اجتماعی متعهدانه است و به منزله مهم‌ترین عنصر تربیتی نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری و تکوین شخصیت اجتماعی افراد دارد. ارتقای قابلیت‌ها و توانمندی افراد در سطح خرد سرمایه اجتماعی (عضویت و مشارکت در شبکه اجتماعی) و فرایند بیشینه‌سازی آن در سطح میانی (چند و چون تعاملات اجتماعی و ساختار سیستمی شبکه درونی ارتباطات بین افراد و ساختار بندی میان شبکه‌های مختلف) و سطح کلان (بستر نهادی ظهور سرمایه اجتماعی و نیز تعاملات شبکه‌ها با محیط‌شان) (بنائی و همکاران ۱۳۹۸: ۶۵) سرمایه اجتماعی به تربیت خانوادگی بستگی دارد. به طور کلی، می‌توان گفت خانواده یکی از پیشران‌های اساسی در فرایند درونی کردن قواعد و هنجارهای اجتماعی و جامعه‌پذیری افراد است. برخی نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و سرمایه اجتماعی خانواده را زیربنای ساخت سرمایه اجتماعی معرفی کرده‌اند و آن را اصلی‌ترین و اساسی‌ترین منبع سرمایه اجتماعی دانسته‌اند. خانواده‌ها با ارائه الگوهای روابط حسنه و فضایل اجتماعی بر نقش خود به منزله منبع سرمایه اجتماعی می‌افزایند (روحانی ۱۳۹۰). جیمز کلمن از نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی است که به دلیل قائل شدن به نقش کارکردگرایانه سرمایه اجتماعی به عنصر خانواده توجه کرده است. کلمن بر این باور بود که انواع خاصی از ساختارهای اجتماعی بیش از دیگر ساختارها انتخاب کنش‌های افراد را تسهیل می‌کند. او تمایل داشت خانواده را کلاف قدیمی سرمایه اجتماعی تصور کند. این موضوع از علاقه او به رشد شناختی و اجتماعی کودکان و جوانان نشئت می‌گرفت؛ به گونه‌ای که در یکی از تعاریف مهم خود کارکرد سرمایه اجتماعی را در ارتباط با رشد شناختی و هویت‌یابی شرح داده است. از منظر او، سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع (در روابط خانواده و در سازمان‌های محلی) است که برای رشد اجتماعی یا شناختی یک کودک یا جوان مفیدند. این منابع می‌توانند امکان توسعه سرمایه انسانی کودکان و جوانان را ایجاد کنند (فیلد ۱۳۸۶: ۴۴ - ۴۷). دیدگاه کلمن درباره سرمایه اجتماعی بیشتر معطوف

به سرمایه اجتماعی موجود در قلمرو خانواده است و بیشتر به تأثیر این نوع سرمایه اجتماعی بر رشد شناختی دانش‌آموزان پرداخته است (شارع‌پور ۱۳۸۴: ۱۵). او بر این باور بود که اضمحلال خانواده به انتقال مسئولیت جامعه‌پذیری اولیه به سازمان‌های شناخته‌شده، از قبیل مدارس، انجامیده است که نهایتاً به فرسایش بلندمدت سرمایه اجتماعی، که کارکرد جامعه به آن وابسته است، منجر می‌شود. از نظر کلمن، خویشاوندی به طور عام و خانواده به طور خاص نشان‌دهنده یک پایه مهم جامعه‌اند (فیلد ۱۳۸۶: ۴۷). شاید همین توجه به اضمحلال خانواده و کاسته شدن از کارکردهای خانواده در فرایند رشد شناختی کودکان و جایگزین شدن ساختارهایی نظیر مدرسه و نهادهای دیگر آموزشی بود که موجب توجه او به سرمایه اجتماعی در محیط مدارس شد.

عمده تمرکز نظریه سرمایه اجتماعی در خانواده به روابط بین والدین و فرزندان معطوف است. در این رویکرد، سرمایه خانواده با توجه به قدرت روابط بین والدین و فرزندان سنجیده می‌شود که این موضوع به حضور فیزیکی بالغان در خانواده و توجه آن‌ها به فرزندان بستگی دارد. برای سنجش قدرت هنجارهای همکاری در چارچوب خانواده، کلمن اقدام به اندازه‌گیری کیفیت تعامل بین والدین و فرزندان کرد (Coleman 1988). خانواده از سه طریق سرمایه اجتماعی را انتقال می‌دهند: ۱. از طریق تلاش و زمانی که والدین صرف می‌کنند (سنجش کمی زمان مشترک بین والدین و فرزندان)؛ ۲. از طریق پیوندهای مؤثر بین والدین و فرزندان (سنجش همکاری‌های مشترک بین والدین و فرزندان)؛ ۳. از طریق رهنمون‌های روشن و مفصلی که با رفتارها سروکار دارد و قابل قبول یا غیر قابل قبول به نظر می‌رسد (سنجش نگرش‌های والدین به فرزندان و هنجارهای درون خانواده) (علی‌وردی‌نیا و همکاران ۱۳۸۷). بدین ترتیب، به نظر می‌رسد در بحث از سرمایه اجتماعی خانواده به رابطه همسری، به منزله بنیادی‌ترین رابطه درون خانواده و عامل شکل‌گیری مفهوم خانواده، توجه جدی نشده است و عمده تمرکز در این زمینه به رابطه والدین با فرزندان معطوف شده است. حال آنکه خانواده با تولید و بازتولید ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی-نظیر عزت، احترام، تعهد، معرفت، دوستی، اعتماد، صداقت، و ... و فراهم کردن زمینه درونی‌سازی آن موجبات شکل‌گیری هویت اجتماعی را درون خانواده و به تبع آن در سایر نهادها و تعاملات اجتماعی به وجود می‌آورد. ظهور عینی کارکرد تربیتی خانواده با عاملیت والدین در این

فرایند محقق می‌شود و اساساً بدون آن‌ها دستیابی به نتایج تربیتی خانواده با دشواری‌های عدیده مواجه می‌شود و فرایند جامعه‌پذیری به‌خوبی صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل، از خانواده‌هایی که در آن‌ها روابط همسری از الگوی موفق بر خوردار نیست و همچنین از خانواده‌های تک‌والدی نمی‌توان انتظار تولید سرمایه اجتماعی در سطح خانواده (در شرایط عادی و نه استثنائی) را داشت. بنابراین، مطالعه سرمایه اجتماعی خانواده بدون توجه به رابطه همسری ناقص خواهد بود. با این توضیح، محققان در نوشتار حاضر به تبیین و تحلیل سرمایه اجتماعی خانواده در روابط همسری بر مبنای آیات قرآن پرداختند.

یافته‌های تحقیق

تبیین سرمایه اجتماعی خانواده در این تحقیق بر مبنای سطح میانی سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های ناظر بر آن انجام شد. با این توضیح که سرمایه اجتماعی یک سیستم فرایندی است که کارکرد آن تخصیص منابع درون یک شبکه اجتماعی طبق الگوی روابط بین واحدهایی است که شبکه را شکل می‌دهند. دیدگاه سیستمی به تحلیلی سه‌بعدی از «اجزا» و «ساختار» و «محیط» اشاره می‌کند. اجزا واحدهای متعددی هستند که شبکه اجتماعی را تشکیل می‌دهند (شجاعی باغینی و همکاران ۱۳۸۷: ۱۳۷). به عبارت دیگر، اجزا ناظر به سطح خرد سرمایه اجتماعی است که از قابلیت افراد برای بسیج منابع در شبکه اجتماعی حکایت می‌کند. توانایی در عضویت و مشارکت در یک شبکه اجتماعی از جمله آن‌هاست. ساختار سیستم سرمایه اجتماعی (یا همان سطح میانی سرمایه اجتماعی) الگوی ارتباطی است که واحدها را به هم پیوند می‌دهد (شجاعی باغینی و همکاران ۱۳۸۷: ۱۳۷) و درباره چندوچون تعاملات اجتماعی و ساختار سیستمی شبکه درونی ارتباطات بین افراد و ساختاربندی میان شبکه‌های مختلف بحث می‌کند (بنائی و همکاران ۱۳۹۸: ۶۵). محیط سیستم سرمایه اجتماعی (یا همان سطح کلان سرمایه اجتماعی) از محیط اجتماعی بزرگ‌تری تشکیل شده که سیستم در آن مستقر شده است. در اینجا تمرکز بر تأثیرات کلان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر ماهیت پیوندهای اجتماعی در یک شبکه، تأثیر بر ساختار شبکه، و تأثیر بر پویایی شکل‌گیری و تغییر و انحطاط شبکه است (شجاعی باغینی و همکاران ۱۳۸۷: ۱۳۸). با لحاظ مفهوم خانواده و برقراری تناظر با سطوح مختلف سرمایه اجتماعی باید گفت در نگاه سیستمی به سرمایه

اجتماعی اجزای آن افراد انسانی، از زن و مرد، هستند که با کسب قابلیت‌های اجتماعی و مهارت‌های مشارکت با یک‌دیگر در دستیابی به اهداف تشکیل خانواده مبادرت به ساخت خانواده به منزله یک شبکه اجتماعی، که بازتولید قابلیت‌های اجتماعی برای فرزندان را بر عهده دارد، می‌کند. فرایند کسب قابلیت‌های اجتماعی با محوریت خانواده و ساخت شبکه خانواده درون شبکه بزرگ اجتماعی با نظامات کلان اجتماعی (اعم از سیاسی، فرهنگی، و ...) مستقر است و به شکل‌های مختلف از آن‌ها متأثر است. بنابراین، خانواده در مقام یک ساختار اجتماعی در سطح میانی سرمایه اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد.

مؤلفه شناختی سرمایه اجتماعی خانواده

مؤلفه شناختی ناظر به حوزه شناختی و ادراکی افراد از یک‌دیگر و برقراری پیوند در سطح اشتراکات طرفینی است. بنابراین، تمرکز این شناخت بر اشتراکاتی است که عامل پیوند اولیه و قوام‌بخش روابط طرفینی هستند. از این اشتراکات با تعبیر مختلف یاد شده است؛ نظیر اشتراک دیدگاه، درک مشترک یا چشم‌انداز مشترک (محمدی و موسوی‌مقدم ۱۳۹۷)، زبان و کدهای مشترک و حکایات، اسطوره و استعاره‌های مشترک (هرندی ۱۳۹۳: ۱۶۷). مؤلفه‌های شناختی زمینه ظهور و بروز اعتماد در تعاملات طرفینی را فراهم می‌آورد و آنان را مهیای برقراری ارتباط می‌کند. تعمیق اعتماد در سطوح مختلف ارتباط طرفینی موجب تداوم و پایداری ارتباط می‌شود. بدین جهت در مدل CRC مفهوم اعتماد محور تعریف سرمایه اجتماعی قرار گرفته است. اعتماد تحت تأثیر هنجارهای مشترک و روابط متقابل انسانی تولید می‌شود و روح سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد (کوهکن ۱۳۸۸: ۱۲۷). اعتماد موجب می‌شود روابط میان افراد به اندازه کافی عمیق باشد تا سرمایه اجتماعی مطلوب ایجاد شود (گنجی و هلالی ۱۳۹۰).

بنابراین، سرمایه اجتماعی به مثابه «روابط» متأثر از عناصر مشترک شناختی و ادراکی افراد با یک‌دیگر و معرف تلقی افراد از هدف برقراری ارتباط است. هر فرد الگوهای ذهنی مختص خود را در زمینه هدف از ارتباط دارد و برقراری ارتباط مؤثر و منجر به تولید سرمایه اجتماعی در گرو اشتراک الگوهای ذهنی افراد با یک‌دیگر در سطح هدف است. موقعیت ارتباطی زن و مرد مبتنی بر دو الگوی ذهنی و احساسی است. پایگاه الگوی ذهنی شناخت و ادراک از هدف ارتباط و پایگاه

الگوی احساسی و عاطفی تمایلات و گرایش احساسی به یکدیگر است. پرواضح است که بدون تلقی مشترک از هدف ارتباط نمی‌توان به صرف ایجاد احساسات مشترک به یکدیگر مبادرت به ارتباط کرد. زیرا احساسات و عواطف زودگذرند و در روابطی همانند ارتباط همسری، که نیاز به تداوم و پایداری دارد، نمی‌توانند از پیوستگی برخوردار باشند؛ مگر آنکه پایگاه احساسی و عاطفی ارتباط به پایگاه ادراکی و ذهنی افراد از هدف ارتباط پیوست شود. بنابراین، ادراک و شناخت صحیح از غایت ارتباط پایه و اساس سایر الگوهاست و عاملی برای جهت‌بخشی یا حتی ایجاد الگوهای مشترک جدید به شمار می‌رود. به بیان دیگر، تا زن و مرد ندانند با چه هدفی و برای تحقق چه امری مبادرت به ارتباط می‌کنند و تا ادراک مشترک درباره غایت و هدف ارتباط نداشته باشند نمی‌توان به تولید سرمایه اجتماعی مطلوب خانواده امیدوار بود.

مؤلفه شناختی سرمایه اجتماعی خانواده در قرآن

بررسی آیات قرآن بیانگر آن است که ارتباط زن و مرد هدف اولیه و ثانویه دارد. البته این دو هدف مجزا از یکدیگرند و در عرض هم قرار ندارند؛ بلکه نسبت طولی با یکدیگر دارند. هدف اولیه دستیابی به سکون و آرامش و تداوم نسل انسانی در پرتو آن هدف ثانویه است. ادراک مشترک زن و مرد از این دو هدف مؤلفه شناختی سرمایه اجتماعی خانواده است.

تحلیلی بر هدف اولیه و سرمایه اجتماعی

هدف اولیه و البته بنیادین از برقراری رابطه زن و مرد دستیابی به سکون و آرامش است و به عنوان هدف غایی در دو آیه از آیات قرآن بر آن تأکید شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...»؛ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرد ... (روم/ ۲۱) و «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...»؛ اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد ... (اعراف/ ۱۸۹). سکون به بازایستادن چیزی بعد از حرکت و ثابت شدن آن گفته می‌شود. همچنین به بازیابی اطمینان بعد از تشویش و اضطراب روحی و باطنی استقرار روحی و باطنی یا سکونت نفس گفته می‌شود (مصطفوی ۱۳۶۸: ج ۵، ۱۶۴). بنابراین، هرگاه الگوی ذهنی و ادراکی زنان و مردان یک جامعه بر این موضوع استوار باشد که دستیابی به سکون و آرامش جسمی و روحی

منوط به ایجاد و برقراری رابطه بین زن و مرد است، همگرایی در سطح شناختی بین آنان ایجاد می‌شود. این همگرایی و به تعبیر دیگر بعد ذهنی سرمایه اجتماعی باعث می‌شود کنش‌های متقابل بین افراد آن جامعه تحت تأثیر قرار گیرد و افراد را به سوی اقدامی جمعی (در اینجا تشکیل خانواده) سوق دهد (زارعی‌متین و همکاران ۱۳۹۵: ۳۳). بنابراین، وجود گزاره «پیوستگی سکون و آرامش با ارتباط بین زن و مرد» در محیط بین‌الذهانی جامعه به شرط ظهور عینی آن در بستر ارتباط همسری نقطه آغاز شکل‌گیری و تولید سرمایه اجتماعی خانواده است.

مبنای الهیاتی و تکوینی این امر، که توجه به آن در ساحت فکر و اندیشه می‌تواند از طریق هدایت و راهبری ارتباط زن و مرد به سمت ارتباط همسری بر توسعه و تعمیق تولید سرمایه اجتماعی خانواده اثرگذار باشد، در آیات پیش گفته با عبارات «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» و «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» بیان شده است. در سایر آیات قرآن نیز همین معنا مورد تأکید قرار گرفته است: «وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...» (نحل / ۷۲) و «... جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...» (شوری / ۱۱)؛ بدین معنا که زن و مرد در ساحت جایگاه انسانی دارای اشتراک حقیقی هستند و همین امر عامل گرایش و همگرایی آنان به یکدیگر، عدم تنافر از هم، و در نهایت جست‌وجوی آرامش و سکون در پرتو آن است. البته از منظر قرآن سکون و آرامش فقط محدود به آرامش جسمی و روانی نمی‌شود، بلکه رابطه زوجیت باید منجر به آرامش روحی و ایمانی نیز بشود؛ در غیر این صورت، رابطه زوجیت تبدیل به رابطه عدوانی خواهد شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَ تَصَفَّحُوا وَ تَعَفَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمایند، از آنان برحذر باشید و اگر ببخشایید و درگذرید و بیامرزید به‌راستی خدا آمرزنده مهربان است (تغابن / ۱۴). بر این اساس، رابطه زوجیت باید به تقویت شخصیت ایمانی زن و مرد منجر شود و اگر هر یک از آن‌ها بخواهد مانع ظهور شخصیت ایمانی دیگری شود، دستیابی به آرامش و سکون در پرتو زوجیت تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت. بنابراین، آرامش و سکون حقیقی از منظر قرآن زمانی محقق خواهد شد که در تعارض بین رضا و خواست خداوند با رضا و خواست هر یک از زن و مرد رضایت الهی مقدم شود (مکارم شیرازی ۱۳۷۱: ج ۲۴، ۲۰۴). با این توضیح که اسلام زن و مرد را انسان می‌داند و

برای هر دو ویژگی‌های مهم اختیار و مسئولیت‌پذیری و توان ارتقا و کمال قائل است (بستان ۱۳۸۸: ۲۵۳). بر این اساس، نه مرد نسبت به زن به واسطه مردانگی در انسانیت برتری دارد نه زنانگی زنان علت موجهی برای تقدیس و برتری زنان است (بهشتی ۱۳۶۱: ۸۹). قرآن کریم در آیات مختلف بر این موضوع تأکید کرده است که خداوند زن و مرد را از یک جنس و نفس آفریده است. منظور از «نفس» در این آیات گوهر، ذات، اصل، و واقعیت عینی شیء است؛ نه روح و جان و روان. مثلاً وقتی گفته می‌شود فلان شیء فی نفسه چنین است یعنی در ذات و هستی اصلی خود چنین است. همه اصناف انسان‌ها، خواه زن خواه مرد، از یک ذات و گوهر خلق شده‌اند و مبدأ قابل آفرینش همه افراد یکی است (جوادی آملی ۱۳۸۷: ۴۲). در این تحقیق، درباره یگانگی نفس زن و مرد با عنوان تجانس بحث شده است. تجانس معانی مختلف دارد؛ از جمله اشتراک در طبیعت انسانی (فیض ۱۴۱۵: ج ۴، ۱۲۹) و اشتراک در فطرت (قطب ۱۴۱۲: ج ۵، ۲۷۶۳). تجانس در طبیعت بدین معناست که مبدأ قابل آفرینش انسان دائرمدار طبیعت انسانی است و از مبدأ قابل دیگر موجودات- نظیر فرشتگان، جنیان، حیوانات- متمایز است. اشتراک طبیعی باعث گرایش طبیعی زن و مرد به یکدیگر و اشتراک‌گذاری امکانات طبیعی بین آنها می‌شود. عدم تجانس در این بخش و اختلاف جنس عاملی برای نفرت از یکدیگر و عدم برقراری پیوند بین این دو جنس می‌شد (ابن کثیر دمشقی ۱۴۱۹: ج ۶، ۲۷۸؛ فیض کاشانی ۱۴۱۵: ج ۴، ۱۲۹). تجانس فطری ناظر به آن دسته از شاخصه‌های منحصر انسانی است که در ذات انسان به ودیعه نهاده شده است. آگاهی و بینش‌ها، گرایش‌ها و تمایلات، ابتکار و خلاقیت‌ورزی، اراده و اختیار، مسئولیت‌پذیری و امکان رشد و تعالی از عناصر فطری انسان است (خسروپناه ۱۳۹۶: ۶۵). زن و مرد در این بخش بهره یکسانی دارند؛ هرچند ظهور بیرونی آنها بر مبنای تفاوت‌های تکوینی زن و مرد دارای شدت و ضعف است. تجانس فطری زمینه همسوسازی زن و مرد در جهت‌گیری آگاهی‌ها و گرایش‌ها و رفتار را فراهم می‌آورد و تلاش هر دو را برای پاسخ به ندای فطری همسو می‌کند و موجب هم‌افزایی اجتماعی می‌شود. ادراک و برآورد کلان از تجانس بر مبنای توجه به شاخصه‌های انسانی در بعد طبیعت و فطرت همانند یک الگوی گفتمانی در

کنش‌های اجتماعی عمل می‌کند که اختلاف زن و مرد در ساحت خلقت و آفرینش را متأثر از خود می‌سازد و می‌تواند بر همگرایی آن دو بیفزاید.

تحلیلی بر هدف ثانویه و سرمایه اجتماعی

همان‌گونه که گفته شد، ارتباط زن و مرد، علاوه بر تأمین زیرساخت‌های سکون و آرامش زن و مرد در پرتو تجانس طبیعی و فطری، دارای هدف دیگری نیز هست که عبارت است از اینکه ارتباط زن و مرد منجر به حفظ نوع بشر و بقای نسل انسانی می‌شود. این هدف در آیات قرآن با تعبیر مختلف بیان شده است. در اشاره قرآن به این هدف دو گونه بیان دیده می‌شود. در یک بیان به مسئولیت‌پذیری اجتماعی زن و مرد در تداوم نسل انسان اشاره شده است که از این طریق انگیزه ارتباط بین زن و مرد را در سطح کلان ایجاد می‌کند. در این زمینه با دو تعبیر در قرآن مواجه می‌شویم: تعبیر تکثیر نسل انسان- «فَاطُرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ» (شوری / ۱۱)؛ پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است و از خودتان برای شما جفت‌هایی قرار داد و از دام‌ها [نیز] نر و ماده [قرار داد] و بدین وسیله شما را بسیار می‌گرداند... و تعبیر گسترش مردان و زنان بسیار- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً...» (نساء / ۱)؛ ای مردم از پروردگارتان بپرهیزید که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او آفرید و از آن دو مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. در بیان دیگر انگیزه ارتباط بین زن و مرد عناصر عاطفی و دلبستگی‌های خانوادگی معرفی شده است. بدین منظور هدف از ازدواج با تعبیر اعطای فرزند و نوه بیان شده است: «اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَيْنًا وَ حَفْةً...» (نحل / ۷۲)؛ و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد.

بر این اساس، استقرار و توسعه این هدف در محیط بین‌الذلهانی جامعه، که مبتنی بر مسئولیت‌پذیری و ایفای نقش اجتماعی در سطح کلان حفظ نوع بشر و نیز تأمین زیرساخت‌های عاطفی زن و مرد به واسطه داشتن فرزند است، بعد دیگری از مؤلفه شناختی سرمایه اجتماعی است. زیرا در پرتو آن همگرایی بین زن و مرد بیشتر و زمینه ارتباط بین آن‌ها فراهم می‌شود. فقدان

این مؤلفه شناختی در جامعه به کاهش روابط بین زن و مرد در قالب‌های صحیح خانوادگی و به تبع آن کاهش یا نابودی سرمایه اجتماعی خانواده می‌انجامد.

مؤلفه ساختاری سرمایه اجتماعی خانواده

مؤلفه‌های ساختاری مربوط به جایگاه بروز و ظهور سرمایه اجتماعی است. بدون وجود این ساختارها مؤلفه‌های دیگر غیرفعال و نهفته باقی می‌مانند. از مؤلفه ساختاری به عنوان الگوهای کلی تماس و ارتباط بین افراد یا الگوی پیوندهای میان اعضای گروه و ترکیب سازماندهی این اعضا- مانند مراتب شبکه، تراکم و میزان همگنی گروه یا اعضای گروه، شیوه ارتباطات اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی- یا به عنوان عوامل زمینه‌ساز سرمایه اجتماعی یاد شده است (هرندی ۱۳۹۳: ۶۵؛ فقیهی و فیضی ۱۳۸۴: ۱۵؛ جعفری و همکاران ۱۳۹۱: ۳۷۸). سرمایه اجتماعی بر اساس کم و کیف روابط در سطوح مختلف تحلیل می‌شود و این بدان علت است که اساساً سرمایه اجتماعی مقوله‌ای ارتباطی است. اگرچه شبکه‌ای از روابط درهم تنیده و گسترده در همه جوامع وجود دارد، همه آن‌ها مولد سرمایه اجتماعی نیستند. زیرا روابط به‌سان خاستگاه سرمایه اجتماعی زمانی مولد سرمایه خواهند بود که درون یک ساختار منسجم و با امکان تبادل اطلاعات و بده‌بستان‌های مرتبط با موضوع ارتباط، اعم از اقتصادی یا سلسله‌مراتبی یا اجتماعی، تعریف شده باشند.

بر اساس آنچه گفته شد الگوهای ادراکی و شناختی در زمینه هدف از ارتباط بین زن و مرد در جامعه گام نخست برای تولید سرمایه اجتماعی خانواده است که از آن، به دلیل استقرار در محیط بین‌الذهانی افراد جامعه، به مؤلفه شناختی و ادراکی تعبیر شد. عینیت‌بخشی به الگوهای ذهنی جامعه و خارج ساختن آن از ساخت ذهن بعد عینی و ساختاری سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. این بعد از سرمایه اجتماعی به جنبه‌های قابل رؤیت و عینی اشاره می‌کند که در قالب آن می‌توان اهداف مختلف را پیگیری کرد (زارعی‌متین ۱۳۹۵: ۳۴). با فرض اینکه الگوهای ذهنی زنان و مردان جامعه بر اساس اهداف پیش گفته از ارتباط زن و مرد با یک‌دیگر به منزله نقطه آغاز تولید سرمایه اجتماعی ساخته شده و در محیط بین‌الذهانی جامعه استقرار یافته باشند، چه ساختار و قالبی برای ظهور و عینیت یافتن این الگوها وجود دارد تا در پرتو آن تداوم تولید سرمایه اجتماعی

را شاهد باشیم؟ بر اساس آیات قرآن (نساء/ ۱، اعراف/ ۱۸۹، شوری/ ۱۱، روم/ ۲۱) ساختار زوجیت برای این امر در نظام آفرینش تعبیه شده است و سامان بخشی به گرایش‌های ارتباطی زن و مرد به یکدیگر از رهگذر آن امکان تحقق دارد.

مؤلفه ساختاری سرمایه اجتماعی خانواده در قرآن

رهیافت تحلیلی در این قسمت بر مبنای واژه «زوجیت» صورت‌بندی شده است. ریشه این واژه «زوج» است و در عرف لغویان برای آن معانی مختلف ذکر شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. به معنای چیزی که فرد نیست و در معنای خلاف فرد به کار رفته است. استعمال در این معنا به این دلیل است که «زوج» فردی است که دارای قرین است (ابن منظور ۱۴۱۴: ج ۲، ۲۹۱؛ فیروزآبادی، بی تا: ج ۱، ۲۶۳). بر این اساس، مقارنت یک چیز با چیز دیگر را «زوج» گویند (ابن فارس ۱۴۰۴: ج ۳، ۳۵).

۲. به معنای صنف و نوع است (طریحی ۱۳۷۵: ج ۲، ۳۰۵). استعمال در این معنا به این دلیل است که مصادیق هر نوع و صنف در ابعاد گوناگون با یکدیگر شباهت‌هایی دارند و قرار گرفتن تعدادی از مصادیق ذیل یک صنف یا نوع بر مبنای آن شباهت‌هاست. از این رو، یکی از معانی مطرح برای زوج مثلثیت و شباهت است.

۳. به معنای هر یک از طرفین مذکر و مؤنث که ازدواج بین آن دو واقع شده باشد، اعم از انسان و غیر انسان (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۳۸۵). معنای اخیر شایع‌ترین معنای واژه است. بنابراین، به مرد تنها یا به زن تنها زوج گفته نمی‌شود و انتزاع مفهومی این واژه در زمانی است که دو نفر با یکدیگر رابطه همسری داشته باشند. بر این اساس، تقارب و تقارن مکانی ضرورتی ندارد و تقارن معنایی در رابطه همسری کفایت از استعمال واژه زوج برای هر یک از طرفین می‌کند.

پس، دلالت این واژه بر یک فرد به اعتبار مثلثیت، تقارن، شباهت، و معادل بودن آن با یک فرد دیگر است. این امر در فرایند ایجاد و بقای جریان خاص حاکم بر یک چیز یا برنامه مخصوص آن چیز کاربرد دارد (مثل تداوم نسل انسان به منزله برنامه حاکم بر حیات انسان که تداوم آن بدون زوجیت امکان وقوع ندارد). بر این اساس، زوج به فرد یا چیزی اطلاق می‌شود که برای ایجاد و بقای خود نیاز به معادلی همسان خود دارد. مثلاً فرد انسانی برای ایجاد و تداوم حیات خود نیاز به

معادلی از نوع خود دارد. این معنای اصلی زوج است (مصطفوی ۱۳۶۸: ج ۴، ۳۶۲) و سایر معانی مطرح برای آن از باب توصیف نحوه تقارن یک چیز با چیز دیگر است؛ حال این مقارنت در هم‌شکلی است، مانند معانی «صنف» و «نوع»، یا در نقش تکامل‌بخشی در ارتباط با دیگری، مانند رابطه همسری و ...

با توجه به شاخصه‌های بنیادین انسان- نظیر عقل، عاطفه، فطرت، اراده، قدرت انتخاب- حیات او دارای برنامه و جریانی خاص است که او را از دیگر موجودات متمایز می‌سازد. استفاده بهینه از این امکانات ذاتی و مدیریت عرصه‌های فردی و اجتماعی انسان به لحاظ کمی و کیفی نیازمند زیرساخت‌های اساسی، نظیر نظام زوجیت، است که از سوی خداوند به صورت تکوینی در حیات انسان تعبیه شده است. فقدان این نظام، علاوه بر اینکه اصل حیات انسان را دچار مخاطره می‌کند، تداوم وجودی و کیفیت آن را نیز با مشکلات عدیده مواجه می‌ساخت. بنابراین، زوجیت در آیات قرآن به معنای فرد انسانی است که برای به وجود آمدن و تداوم وجودی خود و کیفیت‌بخشی به آن به عدل و قرین دیگری نیازمند است. نظام زوجیت به منزله یکی از خرده‌نظام‌های ربوبی ذیل آبرنظام آفرینش برای تحقق همین معنا تعبیه شده است.

غالب مؤلفه‌های مربوط به رابطه زن و مرد، به‌خصوص مسائل هویتی خانواده، باید با عنایت به قواعد ساختار زوجیت تحلیل شود. زن و مرد بر مبنای الگوهای ذهنی سکون و آرامش و نیز ضرورت تداوم نسل انسانی از رهگذر آن مبادرت به ارتباط با یک‌دیگر می‌کنند و این ارتباط زیرساخت نظام زوجیت را مهیا می‌سازد. نظام زوجیت انسان را از فردیت خارج می‌کند و زمینه را برای نخستین کنش اجتماعی بر مبنای اشتراک‌گذاری امکانات وجودی خود با موجودی دیگر از جنس خود فراهم می‌آورد.

همان‌گونه که بیان شد، تجانس در ساحت اصل انسانیت موجب همگرایی زن و مرد می‌شود. اما مراجعه به ساحت خلقت و آفرینش زن و مرد حکایت از نوعی تغایر بر مبنای هویت مستقل جنسیتی هر یک از زن و مرد دارد که چه بسا واگرایی را در حیات انسان رقم بزند. تعبیه ساختار زوجیت برای جلوگیری از این امر پیش‌بینی شده است. هویت جنسیتی به دو صورت قابل تصور است. از یک طرف تفاوت‌های کروموزومی و هورمونی و اندام‌های جنسی درونی و بیرونی آن‌ها

(گیدنز ۱۳۷۴: ۱۵۶) و همچنین تأثیرات روان‌شناختی متأثر از آن و از طرف دیگر تفاوت‌های رفتاری و روان‌شناختی و اجتماعی و فرهنگی میان آن‌ها که دارای تعین اجتماعی هستند متصور است (گیدنز ۱۳۷۴: ۱۵۶). با عنایت به تصور نوع اول، باید گفت هر کدام از زن و مرد دستگاه تناسلی مختص به خود دارند که زاد و ولد انسان منوط به آمیزش آن دو با یکدیگر است. همین موضوع موجب تمایل زن و مرد به یکدیگر، به منظور ساخت هویتی یگانه و رفع نقص جنسی، می‌شود. دستیابی به آرامش و سکون با مد نظر قرار دادن این بخش از هویت جنسیتی در پرتو زوال حاجت و فقر است (طباطبایی ۱۳۹۰: ج ۱۶، ۱۶۶ و ج ۴، ۹۳). اما با عنایت به تصور نوع دوم از هویت مستقل جنسیتی باید گفت این بخش از هویت از باورهای مردم درباره زنانگی و مردانگی و انتظارات متفاوت در زمینه رفتارها و ارزش‌ها و نگرش‌های دو جنس نشئت می‌گیرد و در مشارکت اجتماعی متفاوت زن و مرد، الگوهای متفاوت جامعه‌پذیری آنان، و ... انعکاس می‌یابد. هویت جنسیتی احساس و تصویری است که شخص از زنانگی و مردانگی خود دارد و شامل نظام ارزش‌ها و مؤلفه‌ها و انتظاراتی است که در مقام یک زن یا یک مرد برای خود تعریف می‌کند (بستان ۱۳۸۳: ۴۰). بنابراین، ساختار زوجیت محلی برای به‌اشتراک‌گذاری و عینیت‌بخشی الگوهای ذهنی در روابط بین زن و مرد است و همین مبادرت به مشارکت مؤلفه ساختاری سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. بر اساس آیات قرآن، تحقق خارجی ساختار زوجیت به سه صورت «زوجیت در بستر ارتباط نامشروع»، «زوجیت در بستر ارتباط دوستی»، «زوجیت در بستر نکاح و ازدواج» متصور است که صورت سوم مورد تأکید است و از دو صورت اول نهی شده است. بنابراین، قرآن ضمن پیشنهاد الگوی ازدواج و بیان شرایط آن از الگوی رابطه نامشروع و روابط دوستی منع کرده است. قرآن مردان را از رابطه نامشروع و دوستی پنهانی با زنان برحذر می‌دارد و یکی از شایستگی‌های مرد برای امر ازدواج را دوری از آن دو به شمار می‌آورد: «... غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ لَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ...» (مائده/ ۵). همچنین زنان شایسته برای ازدواج را کسانی می‌داند که رابطه نامشروع یا رابطه دوستی با مردان نداشته باشند: «... غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ...» (نساء/ ۲۵). پس، زوجیت در بستر نکاح و ازدواج (تشکیل خانواده) ساختاری است که زنان و مردان را در دستیابی به اهداف پیش‌گفته یاری می‌کند و امکان کنش اجتماعی متعهدانه را فراهم می‌آورد؛

امری که در روابط نامشروع و دوستی وجود ندارد و تضمینی از جهت دستیابی به اهداف از رهگذر آن دو قابل تصور نیست. بیان این نکته ضروری است که تعمیق و توسعه سرمایه اجتماعی خانواده در بستر ساختار زوجیت مطلوب از منظر قرآن نیازمند تحقق مؤلفه‌های ارتباطی در درون نظام زوجیت است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

مؤلفه ارتباطی سرمایه اجتماعی خانواده

مؤلفه ارتباطی بر ارتباط میان افراد تأکید می‌کند. در ارتباط مقابل میان انسان‌هاست که شبکه‌های حامل سرمایه اجتماعی به وجود می‌آید. زمانی که ارتباط میان انسان‌ها گسسته شود امکان شکل‌گیری اعتماد وجود ندارد. زیرا اعتماد همواره در یک رابطه دوسویه پدید می‌آید (کوهکن ۱۳۸۷: ۱۲۹). مؤلفه ارتباطی بیان‌کننده نوع روابط افراد با یک‌دیگر در طول مدت تعاملات آن‌هاست (کریمی و همکاران ۱۳۹۴: ۶۱۹). به عبارت دیگر، مؤلفه‌های ارتباطی رویکردهای کلی حاکم بر مصادیق رفتاری بین طرفین تعامل است.

مؤلفه ارتباطی سرمایه اجتماعی خانواده در قرآن

مؤلفه‌های ارتباطی سرمایه اجتماعی خانواده در روابط همسری بر مبنای آیه ۲۱ سوره روم دو عنصر مودت و رحمت است: «و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَقِرُونَ» (روم / ۲۱). این دو مؤلفه رویکرد و اصول کلی تعاملات اجتماعی در سطح رابطه همسری را نشان می‌دهد که بر اساس شاخصه‌های ساختار زوجیت تعریف شده است. کارآمدی نظام زوجیت وابسته به رعایت اصول مودت و رحمت در تعاملات همسرانه است. در واقع، رعایت اصول مودت و رحمت موجب تقویت ارتباط بین همسران می‌شود و جهت توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی خانواده عمل می‌کند.

مودت حکایتگر تمایل و علاقه به چیزی و آرزوی داشتن آن است. برخی مفسران با عنایت به ضرورت ظهور اثر مودت در ارتباطات انسانی مودت را محبتی می‌دانند که اثرش در مقام عمل ظاهر است (طباطبایی ۱۳۹۰: ج ۱۶، ۳۹۶). در حقیقت، مودت نوعی گرایش و تمایل به دیگران همراه اظهار محبت است. رحمت تجلی تام و تمام رأفت و عطوفت و رقت و ... است و در آن خیر و صلاح نیز مد نظر قرار می‌گیرد، ولو اینکه نوعی کراهت و درد و رنج در آن یافت شود؛

همانند نشانیدن داروی تلخ به مریض که با وجود کراهت ظاهری خیر و صلاح در آن نهفته است (مصطفوی ۱۳۶۸: ج ۴، ۹۲). معنای اصطلاحی «رحمت» عبارت است از نوعی تأثیر نفسانی که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار به رفع نقص و نجات از محرومیت می‌کند (طباطبایی ۱۳۹۰: ج ۱۶، ۱۶۶). بر مبنای اصل مودت نباید فقط به محبت قلبی اکتفا کرد؛ بلکه به منظور تحکیم روابط لازم است محبت قلبی در کالبد عمل نمایان شود. در روایات مختلف بر اظهار محبت به صورت زبانی و در قالب‌های دیگر زبانی و ... تأکید فراوان شده است. علاوه بر این، با رعایت اصل رحمت، طرفین رابطه خود را در قبال دیگری مسئول می‌دانند و با مشاهده نواقص طرف مقابل مبادرت به رفع نقص می‌کنند. رفتار مبتنی بر رحمت تجلی‌بخش رفتار ایثارگرانه زن و مرد به یکدیگر در ساختار زوجیت است و بدون آن بنیان این ساختار به مخاطره خواهد افتاد. زیرا در طول رابطه زناشویی مسائلی پیش می‌آید که جز با رحمت و رفتار مبتنی بر ایثار امکان تداوم آن وجود ندارد. اگر این نوع تعامل به صورت کنش و واکنش متقابل و پیوسته میان دو طرف ادامه یابد، موجب تعمیق اعتماد به یکدیگر و تقویت رابطه و در نتیجه توسعه سرمایه اجتماعی می‌شود. پس، از دو عنصر مودت و رحمت به منزله مؤلفه‌های ارتباطی سرمایه اجتماعی خانواده می‌توان یاد کرد. ذکر این نکته در پایان ضروری است که ظهور تام مودت و رحمت در ساختار خانواده امکان وقوعی دارد و در سایر ساختارهای زوجیت، نظیر ارتباط نامشروع یا ارتباط دوستی، یا اساساً امکان وقوعی ندارد یا موقتی و به صورت گسسته است. در این صورت، تحقق اهداف ازدواج (سکون و آرامش و تداوم نسل) دچار مخاطره خواهد شد.

نتیجه

خانواده مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عنصر اجتماعی است که در فرایند تولید سرمایه اجتماعی نقشی بسزا و انکارناپذیر دارد. نقطه کانونی و بنیادین سرمایه اجتماعی خانواده در روابط همسری متبلور است. الگوی قرآن برای مدیریت سرمایه اجتماعی خانواده در روابط همسری بر اساس سه مؤلفه شناختی و ساختاری و ارتباطی قابلیت صورت‌بندی دارد. مؤلفه شناختی سرمایه اجتماعی بر مبنای الگوهای شناختی و ادراکی در محیط بین‌الذهانی جامعه بر مبنای تلقی از هدف ارتباط بین زن و

مرد، یعنی سکون و آرامش و تداوم نسل انسانی، ترسیم شد. مبنای الهیاتی و تکوینی سکون و آرامش تجانس طبیعی و فطری است که عامل گرایش و همگرایی زن و مرد به یکدیگر جهت تحقق اهداف ارتباط است. مؤلفه ساختاری، که در حقیقت جایگاه عینی ظهور مؤلفه‌های شناختی است، در این تحقیق، ساختار زوجیت در نظر گرفته شد. زوجیت نقطه عینی اشتراک‌گذاری ظرفیت‌های وجودی زن و مرد به منظور تحقق اهداف رابطه است و در قرآن کریم به سه گونه زوجیت در بستر ارتباط نامشروع و زوجیت در بستر ارتباط دوستی و زوجیت در بستر نکاح و ازدواج اشاره شده است. ساختار مطلوب از منظر قرآن، که می‌تواند طرفین رابطه را در دستیابی به اهداف مساعدت کند، زوجیت در بستر نکاح است و دو گونه دیگر زوجیت را خداوند نهی کرده است. توسعه و تعمیق سرمایه اجتماعی خانواده منوط به رعایت اصول و رویکردهای کلی در مصادیق رفتاری متقابل است که از آن با عنوان مؤلفه‌های ارتباطی یاد می‌شود که بر مبنای آیات قرآن دو اصل مودت و رحمت مؤلفه ارتباط سرمایه اجتماعی خانواده است. مودت به معنای اظهار محبت در مقام عمل و رحمت به معنای تلاش مهربانانه برای جبران نقص و کمبود طرفین رابطه در ارتباط متقابل است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت، دار الفکر.
۳. بستان، حسین (۱۳۸۵). اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. _____ (۱۳۸۸). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. _____ (۱۳۹۲). کوششی نظری در جهت ساخت مدل اسلامی ثبات خانواده، مطالعات زن و خانواده، ۱ (۱)، صص ۶۹ - ۹۸.
۶. بنائی، امیرحسین؛ حسن زارعی‌متین؛ سارا مزینانی (۱۳۹۸). «نگاهی نظام‌مند به مفهوم سرمایه اجتماعی: چپستی، چرایی، چگونگی»، مدیریت سرمایه اجتماعی، ۶ (۱)، صص ۵۹ - ۸۴.
۷. بردیو، پیر (۱۳۸۰). نظریه کنش، مترجم: مرتضی مردیها، تهران، نقش و نگار.
۸. بهشتی، احمد (۱۳۶۱). خانواده در قرآن، قم، طریق القدس.
۹. جعفری، محمد؛ فتاح شریف‌زاده؛ وجه‌الله قربانی‌زاده (۱۳۹۱). «الگوی سرمایه اجتماعی، ابعاد و شاخصه‌های آن در کلانتری‌های تهران بزرگ»، پژوهش‌های مدیریت انتظامی، ۷ (۳)، صص ۳۷۰ - ۳۹۶.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). زن در آئینه جمال و جلال، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۱. چلبی، مسعود (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی نظم: تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نی.
۱۲. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۵). انسان‌شناسی اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات لالفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.
۱۴. روحانی، حسن (۱۳۹۰). «خانواده، سنگ‌بنای سرمایه اجتماعی»، راهبرد، ۵۹، صص ۷ - ۴۶.
۱۵. زارعی‌متین، حسن و همکاران (۱۳۹۵). مدیریت سرمایه اجتماعی، تهران، کتاب مهربان.
۱۶. سفیری، خدیجه (۱۳۹۴). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با سلامت اجتماعی جوانان»، مددکاری اجتماعی، ۴ (۳)، صص ۱۷ - ۵۰.
۱۷. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و اقتصادی»، رشد آموزش علوم اجتماعی (ویژه‌نامه سرمایه اجتماعی)، ۹ (۲)، صص ۱۰ - ۱۶.

۱۸. شجاعی باغینی، محمدمهدی و همکاران (۱۳۸۷). *مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۹. صدر، سید محمدباقر (بی تا). *المدرسه القرآنیه*، بیروت، دار التعارف.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۲۱. _____ (۱۳۹۶). *زن در قرآن*، قم، مرکز نشر هاجر.
۲۲. علینی، محمد، غفاری، غلامرضا غفاری (۱۳۹۴). «تحلیل مفهومی سازه سازه سرمایه اجتماعی در کلام امام علی»، *فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی*، ۲ (۴)، صص ۹۲ - ۱۲۰.
۲۳. علی وردی نیا، اکبر؛ محمود شارع پور؛ مهدی ورمزیار (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری»، *پژوهش زنان*، ۶ (۲)، صص ۱۰۷ - ۱۳۲.
۲۴. فاضل، رضا؛ مجید سلیمانی؛ رکن الدین رشیدی (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی خانواده و عوامل مؤثر بر آن»، *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ۱ (۲)، صص ۴۱ - ۵۴.
۲۵. فقیهی، ابوالفضل؛ طاهره فیضی (۱۳۸۴). «سرمایه اجتماعی در سازمان»، *بیک نور*، ۳، صص ۱۱ - ۲۱.
۲۶. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، مترجم: غلامعباس توسلی، تهران، حکایت قلم نوین.
۲۷. فیلد، جان (۱۳۸۶). *سرمایه اجتماعی*، مترجم: غلامرضا غفاری، تهران، کویر.
۲۸. کریمی، میلاد؛ حسین خنیفر؛ فائزه طاهری نژاد (۱۳۹۴). «طراحی مدل مفهومی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از منظر اسلامی»، *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۲ (۴)، صص ۶۰۵ - ۶۳۰.
۲۹. کوهکن، علی رضا (۱۳۸۷). «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی»، *راهبرد توسعه*، ش ۱۷، صص ۱۲۴ - ۱۴۱.
۳۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی*، مترجم: منوچهر صبوری، تهران، نی.
۳۱. محمدی، حسین؛ سید محمد موسوی مقدم (۱۳۹۷). «تبیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر مبنای روایات ناظر به روابط متقابل در کتاب *مفاتیح الحیات*»، *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۵ (۲)، صص ۱۸۷ - ۲۱۲.
۳۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). *نظام حقوقی زن در اسلام*، تهران، اسراء.

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. هرندی، عطاءالله (۱۳۹۳). «تبیین نقش سرمایه اجتماعی و انتقال دانش در یادگیری سازمانی شرکت‌های دانش بنیان»، مدیریت توسعه فناوری، د ۱، ش ۴، صص ۱۶۱ - ۱۸۲.

References

1. Alini, M., & Ghaffari, Gh. (2015), Conceptual analysis of the structure of social capital in the words of Imam Ali, *Quarterly Journal of Islam and Social Studies*, 2 (4), pp. 92-120 (in Persian)
2. Aliverdi Nia, A., Sharipour, M., & Varmziar, M. (2008). "Family Social Capital and Delinquency", *Women's Research*, 6 (2), pp. 107-132. (in Persian)
3. Banai, A. H., Zareie- Matin, H., & Mazinani, s. (2020). A systematic View to concept of social capital: what is? Why and how. *Social capital management*, 6(1), pp. 59-84. (in Persian)
4. Beheshti, A. (1982), *Family in the Quran*, Qom, Tariqat al-Quds. (in Persian)
5. Bostan, H. (2006). *Islam and Gender Differences*, Qom, Research Institute of Hawzah and University. (in Persian)
6. ----- (2009). *Islam and Family Sociology*, Qom, Research Institute of Hawzah and University. (in Persian)
7. ----- (2013). Theoretical Attempt to Build an Islamic Model of Family Stability, *Women and Family Studies*, 1 (1), pp. 69-98. (in Persian)
8. Bourdieu, P. (2001). *Theory of Action*, Morteza Mardiha (Translator), Tehran, Naghsh va Negar. (in Persian)
9. Chalabi, M. (1999), *Sociology of Order: Theoretical Analysis of Social Order*, Tehran, Ney. (in Persian)
10. Faqihi, A., & Faizi, T. (2005). "Social capital in the organization", *Peyk Noor*, 3, pp. 11-21. (in Persian)
11. Fazel, R., Soleimani, M., & Rashidi, R. (2011). "Social capital of the family and the factors affecting it", *Sociological Studies of Iran*, 1 (2), pp. 41-54. (in Persian)
12. Field, J. (2007). *Social Capital*, Gholamreza Ghaffari (Translator), Tehran, Kavir. (in Persian)
13. Fukuyama, Francis. (2006). *The End of Order, Social Capital and its Preservation*, Gholamabbas Tavassoli (Translator), Tehran, The Story of the New Pen. (in Persian)
14. Giddens, A. (1995). *Sociology*, Manouchehr Sabouri (Translator), Tehran, Ney. (in English)
15. Harandi, A. (2014). "Explain the role of social capital and knowledge transfer in the organizational learning of knowledge-based companies", *Technology Development Management*, 1(4), pp. 161-182. (in Persian)
16. Ibn- Faris, A. (1983). *Dictionary of Comparative Language*, Qom, Islamic Media office. (in Arabic)
17. Ibn Manzoor, M. I. M. (1993). *Language of Arabs*, Beirut, Dar al-Fikr. (in Arabic)

18. Jafari, M., Fattah, Sh., & Ghorbanizadeh, V. (2012), Social capital model, its dimensions and characteristics in Greater Tehran police stations, *Disciplinary Management Research*, 7 (3), pp. 370-396. (in Persian)
19. Javadi- Amoli, A. (2008), *Woman in the Mirror of Beauty and Glory*, Qom, Esra Publishing Center. (in Persian)
20. Karimi, M., Khanifar, H., & Taheri- Nejad, F. (2015). "Designing a Conceptual Model of the Components of Social Capital from an Islamic Perspective", *Social Capital Management*, 2 (4), pp. 605- 630. (in Persian)
21. Khosrowpanah, A. (2017). *Islamic Humanology*. Qom, Maaref Publishing. (in Persian)
22. Koohkan, A. (2008). "Components of Islamic Social Capital", *Development Strategy*, 17, pp. 124-141.. (in Persian)
23. Makarem- Shirazi, N. (1992). *Sample Interpretation*, Tehran, Dar Al-kotob Al-eslami. (in Persian)
24. Mohammadi, H., & Musavi-Moghadam, S. M. (2019). Explaining the components of social capital based on the narrations regarding the reciprocal relations in the book *Mafatih al-Hayat*", *Social Capital Management*, 5 (2), pp. 187-212. (in Persian)
25. Motahari, M. (1990). *The legal system of Women in Islam*, Tehran, Esra. (in Persian)
26. Mustafavi, H. (1990). *Investigation of words of the Qur'an*, Tehran, Ministry of Culture and Guidance. (in Arabic)
27. Ragheb- Isfahani, H. (1991), *Glossary of Quranic Words*, Beirut, Dar al-Qalam. (in Arabic)
28. Rouhani, H. (2011), Family, the cornerstone of social capital, *Strategy Quarterly*, 59, pp. 7-46. (in Persian)
29. Sadr, S. M. B. *Quranic School*, Beirut, Dar al-Ta'rif. (in Arabic)
30. Safiri, Kh. (2015), The Relationship between Family Social Capital and Youth Social Health, *Social Work Quarterly*, 4 (3), pp. 17-150. (in Persian)
31. Sharapour, M. (2005), Social Capital and Its Role in Social and Economic Life, *Journal of Social Science Education Development (Social Capital Issue)*, 9 (2), pp. 10-16. (in Persian)
32. Shojaee-Baghini, M. M. (2009). *Conceptual foundations of social capital*. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. (in Persian)
33. Tabatabai, M. (1970). *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*. Beirut: Aa'lami Publishing. (in Arabic)
34. Tabatabai, M. (2017), *Woman in the Quran*, Qom, Hajar Publishing Center. (in Persian)
35. Zareie- Matin, H., Behzad, M., & Saeid, m. (2016), *Social Capital Management*, Tehran, Kind Book. (in Persian)
36. Coleman, J. (1988). "The creation and destruction of social capital, Implications for the law", *Notre dame journal of law, ethics and public policy*, Vol. 3.
37. Nahapiet, J. & Ghoshal, S. (1998). "Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage", *Journal of Academy of Management Review*, 23 (2), pp. 242-266.
38. Notron, A. (1997). "Social capitl and civill society: some definitional issues", in a. notron et al. *social capital: the individual, society and the state*, center for independent studies, Sydney.